

ورزش باستانی زورخانه و جایگاه آن در ترویج تشیع

دکتر علی‌اکبر جعفری / استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان
نعیمه قاسمی / عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد دهقان

چکیده

ورزش باستانی زورخانه به عنوان ورزش ملی و تاریخی ایران و به عنوان یک جریان فرهنگی از زمان رسمیت یافتن تشیع، در ایران جایگاه ویژه‌ای در تأثیرپذیری از آموزه‌های تشیع و تأثیرگذاری بر ترویج آن داشته است. این ورزش با در هم تنیدن و مزین کردن حرکات ورزشی با آداب و سجایای اخلاقی، آموزه‌های شیعی و پرورش قوای بدنی، در طول دوره‌ای بیش از پانصدساله، در تاریخ ایران به عنوان مهم‌ترین ورزش از لحاظ هماهنگی با آموزه‌ها و آداب و رسوم شیعی شناخته می‌شود. صرف‌نظر از پیوستگی پیشینه این ورزش با مبارزات ضد ستم حاکمان در تاریخ ایران، با رواج مذهب تشیع در ایران، ورزش باستانی زورخانه، هم به دلیل نمادها و نشانه‌هایش و هم به سبب حرکات فیزیکی و ورزشی آن و هم به واسطه آیین و مراسم خاص خود، به وسیله‌ای برای ترویج تشیع در ایران تبدیل شد. اهمیت این جایگاه و تأثیرگذاری آن به مرور زمان و به‌ویژه در دوره‌ای که تلاش گسترده‌ای برای نابودی فرهنگ دینی جامعه ایران صورت پذیرفت، مشهودتر است. نظر به اهمیت موضوع، این مقاله با هدف بررسی جایگاه و تأثیر ورزش باستانی زورخانه در ترویج تشیع و به روش «مطالعه کتابخانه‌ای» تدوین شده است. سؤال اساسی پژوهش این است که «ورزش باستانی زورخانه چگونه در ترویج تشیع تأثیر گذاشته است؟» برای پاسخ‌گویی به سؤال مزبور، این فرضیه به آزمون گذاشته شده است که «ورزش باستانی زورخانه با تأثیرپذیری از رسمیت تشیع، با استفاده از نمادها و نشانه‌ها و آیین و مراسم و حرکات فیزیکی خاص خود، موجب حفظ و ترویج تشیع در لایه‌های گوناگونی از جامعه شده است.» یافته‌های پژوهش ضمن تأیید فرضیه مزبور، گوشه‌های دیگری از ارتباط این ورزش را با سنن ایرانی و اسلامی روشن نموده است.

کلیدواژه‌ها: ورزش، زورخانه، تشیع، صفویه، ایران.

مقدمه

ورزش باستانی زورخانه مجموعه‌ای از ساختارهای فرهنگی چندصدساله نیاکان و اجداد ما ایرانیان و صفحه‌ای از پیوند باورهای ملی و مذهبی است. اگرچه در بعضی از مستندات تاریخی، بسیاری از آداب و سنن پهلوانی را به دوره زرتشت نسبت داده‌اند و یا به لحاظ ساختمانی، وجه اشتراکی بین زورخانه‌ها و معابد مهری برقرار کرده‌اند، اما ورزش باستانی زورخانه به شکلی که امروزه اجرا می‌شود، به دوره ایران اسلامی بازمی‌گردد. از شاخصه‌های مهم این دوره تاریخی ایران، آن است که آیین پهلوانی و فتوت در خلال مبارزات سیاسی و به دست نخبگانی ورزیده به لحاظ بدنی و جوانمرد از لحاظ اخلاقی، قوت گرفت. این افراد به منظور مقابله با ستم زمانه خویش و تلاش برای دفاع از حقوق مظلومان جامعه، به پرورش و تربیت جسم و روح خود اعتقاد داشته‌اند و این دو را جدا از یکدیگر قرار نداده، بلکه لازم و ملزوم هم می‌دانسته‌اند. از این‌رو، قرار گرفتن تمرین و تقویت قوای بدنی در لوای تبلیغ و تشدید فضایل انسانی و اخلاقی نقطه عطفی شد برای شکل‌گیری ورزش باستانی، به گونه‌ای که امروز شاهد آن هستیم.

همزمان با رشد مبارزات ایرانیان علیه خلفای عباسی و پس از آن مغولان و بازماندگان آنها، که حکومت‌هایی گریزپای بودند و به‌ویژه در آستانه تشکیل دولت صفویه، شباهت‌هایی بین خصوصیات اخلاقی و رفتاری رهبران این مبارزات با ویژگی‌ها و اخلاقیات فردی و اجتماعی تشیع به وجود آمد. اگرچه پیش از تشکیل دولت صفویه، گرایش محسوسی به اهل‌بیت (علیه السلام) در لایه‌های گوناگون جامعه ایران وجود داشت، اما گود زورخانه، یکی از کانون‌های اصلی پیوند اخلاق و صفات پهلوانی رایج در آن دوره با ویژگی‌های اخلاقی تشیع شد. بدین روی، زورخانه‌ها به مکانی برای تقویت و تبلیغ عقاید شیعی تبدیل گردید. به بیان واضح‌تر و به طور مشخص، می‌توان گفت: ورزش باستانی زورخانه، که ریشه در آیین اخوت و فتوت دارد، یکی از پایه‌های اصلی گرایش به تشیع و استقبال از آن را تشکیل داد. از این‌رو، ورزش

باستانی زورخانه به مرور، از چنان پیوستگی با آموزه‌های تشیع برخوردار شد و با آن ادغام شد که اجرای حرکات ورزشی بدون توسل جستن به اعتقادات شیعه امری بی‌روح و ناموزون می‌نماید.

علاوه بر مطالب پیش گفته، حرکات بدنی، اشعار و ادوات ورزش باستانی زورخانه، مبلّغ فرهنگ، شعائر و حتی آموزه‌های شیعه، چه برای ورزش کار و چه برای تماشاگر است. از این نظر، ورزش باستانی زورخانه صحنه‌ای از قرارگرفتن ورزش در خدمت مذهب است. بررسی این نکته که چرا و چگونه اصول و عقاید شیعه در طرحی زیبا، موزون و هماهنگ با حرکات فیزیکی ورزش باستانی زورخانه آمیخته شده، موضوعی است که این مقاله به آن می‌پردازد. در این زمینه، سعی بر آن است تا ضمن توجه به ارتباط ورزش باستانی زورخانه با آموزه‌ها و اعتقادات مذهب تشیع، نقش تبلیغی و ترویجی حرکات فیزیکی این ورزش و قواعد و مقررات آن در توسعه و تحکیم و حتی آموزش اصول و مبانی و شعائر و فرهنگ تشیع به ورزش کاران و تماشاگران نیز بررسی شود.

دین اسلام و ورزش باستانی در ایران

ورزش و تربیت بدنی به هر شکل و صورتی که باشد، بخشی از فرهنگ جامعه محسوب می‌شود. بر این اساس، بررسی ورزش بدون آگاهی از ارزش و کیفیت ریشه‌های فرهنگی جامعه ممکن نیست. (جاوید، ۱۳۵۰، ص ۲۹) فرهنگ جامعه ایرانی از کهن روزگار، دینی بوده است. اصولاً دین در جغرافیای ایران، در کل تاریخ این سرزمین یکی از ضرورت‌ها و بایسته‌ها بوده است. این شرایط فرهنگی با ورود اسلام به ایران نیز مستحکم شد. از این رو، برای بررسی حیات و تأثیرات ورزش باستانی زورخانه، بایدنگاهی به فرهنگ دینی جامعه ایران - که این ورزش وابسته به آن است - داشت تا زمینه‌های بحث به سهولت فراهم شود.

دین مقدّس اسلام با رویکرد جهانی، در آموزه‌های خود و پوشش همهٔ اعصار و روزگار بشریت، به جنبه‌های گوناگون روحی و جسمی انسان‌ها توجه کرده است. آیات متعدد و روایات بسیاری بر سلامت جسم و تن‌درستی و حفظ روح و بدن سالم تأکید دارند. از این‌روست که جسم سالم به عنوان قالبی برای عقل سالم در نظر گرفته شده است. توجه و عنایت ویژهٔ پیامبر اکرم (ﷺ) و ائمهٔ اطهار (علیهم‌السلام) به ورزش و پرورش جسم و روح، موجب شده است تا در طول دوران تاریخ اسلام، همواره یکی از جنبه‌های زندگی اجتماعی مسلمانان که مورد توجه مورّخان و سیّاحان قرار گرفته، موضوع ورزش‌ها و بازی‌های آنها باشد. (ر.ک: اشپولر، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۹۸-۴۰۰/ احسن، ۱۳۶۹، فصل ششم) نکتهٔ مهم در این تأکیدها و تفاوت ظاهری آن با رویکرد مسلمانان این است که علت اصلی تأکیدهای پیامبر اکرم (ﷺ)، اهداف معنوی و پرورش جسم به عنوان کالبد روح و سپس مقاصد نظامی در پس توصیه‌های ورزشی است، اما به نظر می‌رسد توجه مسلمانان، به‌ویژه خلفا و حاکمان اسلامی، خارج از این هدف پیامبر (ﷺ) بوده است. در این زمینه، نباید از این نکته غفلت ورزید که ضرورت دفاع از دولت اسلامی نوپیان نبوی در مدینه ایجاب می‌کرد که پیامبر (ﷺ) هیچ‌گاه از مسئلهٔ دفاع غافل نشوند. اما دلیلی بر این موضوع نیست که در اسلام، ورزش به عنوان وسیله و راهی برای دفاع نظامی شناخته شود. به همین دلیل، هم در بین ورزش‌های مورد تأکید پیامبر و ائمهٔ اطهار (علیهم‌السلام) می‌توان رویکردهای غیرنظامی را در اهداف این توصیه‌ها دید و هم سیرهٔ عملی پیامبر اکرم (ﷺ) نشان می‌دهد که ایشان تنها به ابعاد نظامی در مسئلهٔ ورزش توجه نداشته‌اند. اما نکتهٔ جالب این است که در برخی از رشته‌های ورزشی و حتی با گذشت قرن‌ها از آغاز اسلام، رویکردهای نظامی، به‌ویژه در جریان مبارزه با دشمنان، در اهداف نهان این ورزش‌ها مشاهده می‌شود، به‌گونه‌ای که حتی در برخی از این رشته‌ها و از جمله ورزش موسوم به «باستانی»، دقیقاً این اهداف نهفته است. (ر.ک: برزگر، ۱۳۵۰، ص ۱۵۳)

ویژگی‌های ذکر شده در خصوص توجه اسلام به ورزش، موجب شده است تا مسئله دیگری نیز در زمینه ابعاد ورزش در اسلام مطرح باشد. اصولاً و با توجه به تأکیدهای وحیانی و توصیه‌های معصومین (ع)، ورزش نوعی مناسک دینی هم شناخته می‌شود. اما در این باره توجه به این مسئله نیز ضروری است که اگرچه حفظ تن و سلامت جسم یک واجب شرعی است، اما هیچ‌گاه ورزش مستقیماً در آن دسته از اعمال واجب، که انجامشان حکم وجوب دارد، قرار نمی‌گیرد. به رغم این جایگاه، ورزش در اسلام رنگ دینی به خود گرفته است. از این‌رو، در شکل و پردازش آیین‌ها و رسوم ورزش‌ها در اسلام، نمادهای دینی نقش پررنگی پیدا می‌کند، به گونه‌ای که از یک میدان ورزش و از یک صحنه ورزشی هم استفاده دینی شده است و این میدان عرصه‌ای برای آموزش مفاهیم و آموزه‌های دینی محسوب می‌شود. این مسئله نیز همانند موضوع پیش گفته، از ویژگی‌های ورزش در نگاه دینی اسلام است، ضمن آنکه در میان ورزش‌های رایج، ورزش موسوم به «باستانی» بیشترین همپوشانی را دارد.

بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که بیشترین انطباق در آموزه‌ها، مناسک و اعمال و البته حقانیت در میان فرقه‌های اسلامی با آنچه مورد توجه و تأکید قرآن و پیامبر اکرم (ص) بوده، متعلق به شیعیان است. شیعه با افتخار می‌تواند به خود ببالد که در تداوم حیات معنوی خود پا در راهی گذاشته که مورد نظر و تأکید پیامبر گرامی (ص) بوده است. استحکام تشیع در مبانی و اصول و در همپوشانی با آموزه‌های نبوی، آنچنان بوده که به رغم تمام ناملایمات و محدودیت‌های وارده شده بر آن در روزگار حاکمیت امویان و عباسیان و حکومت‌های بعدی، همچنان بر قوت خود باقی مانده و هر روز جایگاهی قوی‌تر در ساخت سیاسی جهان اسلام و ایران پیدا نموده است. مشخصاً در تاریخ ایران و پس از ۹ قرن انزوای سیاسی تشیع، دولت صفویه با اعلام رسمیت این مذهب، آن را به عنوان ایدئولوژی حاکم پذیرفت و ساختار دینی جدیدی را در ایران بنیان گذاشت که تا زمان حاضر ادامه دارد. همچنین این اقدام

صفویان موجب احیای هویت ملی جدیدی برای ایران شد و مذهب شیعه از یک نیروی اجتماعی به یک نهاد رسمی هویت‌بخش در ایران مبدل گردید. (گودرزی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۱) در این فرایند و در ارتباط با موضوع بحث در این مقاله، دو نکته جای تأمل و بررسی دارد:

۱. فرایند رسمیت مذهب تشیع در ایران؛
 ۲. میزان ارتباط آموزه‌های شیعه با ورزش، به‌ویژه ورزش باستانی زورخانه؛
- در خصوص موضوع اول و به اختصار، باید به این نکات توجه نمود:
- مذهب تشیع از همان قرن اول هجری، به‌ویژه با مهاجرت اشعری‌ها، در ایران جایگاهی پیدا نمود. (ر.ک: جعفریان، ۱۳۶۹، ص ۱۱۸)
- در تمام ادوار حاکمیت سیاسی اهل سنت، در مناطق وسیعی از ایران، شیعیان فعالیت چشم‌گیری داشتند و هیچ‌گاه از اعتقادات خود جدا نشدند.
- تشکیل برخی دولت‌های شیعی همچون آل‌بویه و سربداران، نشانگر توان حاکمیت سیاسی تشیع در ایران بود.
- سقوط بغداد در جریان حمله هولاکو و از بین رفتن پایگاه اهل سنت از یک سو، موجب افزایش تسلط عقاید شیعه اثناعشری در حیطه‌های بالای دربار و در شهرهای بزرگ شد، و از سوی دیگر، گرایش بیشتر به نوعی از اسلام را به همراه داشت - که به اصطلاح مستشرقان - اسلام مردمی بود. از ویژگی‌های مهم این گرایش جدید، محبت اهل بیت (ع) بود، به گونه‌ای که پدیده‌ای به نام «سنی دوازده امامی» در برخی نواحی ایران شکل گرفت. (ر.ک: مزای، ۱۳۶۸، ص ۹۱-۹۲)
- آموزه‌های ظلم‌ستیز موجود در مذهب تشیع در گرایش بیشتر به این مذهب پس از سقوط بغداد، به‌ویژه در بین گروه‌های محلی و منطقه‌ای، مؤثر بوده است؛ به‌ویژه گروه‌های صوفی‌مسلک و فقیان از این آموزه‌ها، بسیار بهره بردند که همین زمینه گرایش بیشتر به تشیع را به همراه داشت.

- شیوخ طریقت صفوی با یک فعالیت بیش از دویست ساله، از طریق آموزه‌های صوفیانه، در شرایطی که ایران به شدت در معرض تهاجم بیگانگان قرار داشت، موفق به تشکیل دولت و اعلام رسمیت مذهب تشیع شدند و ایران را از این خطر عظیم حفظ نمودند.

بر این اساس، فرایند تشیع‌پذیری و گسترش آن در ایران، در طول دو - سه قرن منتهی به تشکیل دولت صفویه، رشد چشم‌گیری پیدا کرد. این مسئله در مطرح شدن آموزه‌های شیعه در جامعه بیشترین نقش را داشت. رنگ و بوی مراسم و مناسک متعددی در این دوره، شیعی بود. شعارها و مراسم، نوشته‌ها و سخن‌ها، علایم و نمادها به شدت به سوی تشیع سوق پیدا کرد و از این رهگذر، حتی در انواع ورزش‌ها، نمادهای تشیع وارد شد. یک واقعیت انکارناپذیر در بررسی تاریخ زورخانه، این است که ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای از دوران پس از اسلام نیز مانند همبستگی ورزش و مسئولیت‌های اخلاقی در ایران باستان، با آیین «فتووت» در قالب مذهب تشیع و شعائر آن همزاد و همراه بوده است. این ورزش تقریباً با تمامی نهضت‌های شیعی تاریخ ایران پیش از صفویه، پیش رفته و در پرتو تعالیم و شعائر آن به خود بالیده است. از این‌رو، نباید تصوّر کرد که چون محتوای ذهنی زورخانه با شعائر شیعی آراسته شده، ناگهان و بدون مقدمه، در زمان صفویه به وجود آمده است. (انصاف‌پور، ۱۳۸۶، ص ۸۲) این جریان زمانی که به طور مشخص در یک رشته معین قرار گرفت، نشانه بیشتری از تشیع پیدا کرد. این حالت خاص را باید در دوران صفویه، که مذهب تشیع رسمیت یافت، سراغ گرفت.

اما آموزه‌های تشیع و بر اساس بحث پیش گفته، مشخصاً به دلایل ذیل توانست در ورزش، به‌ویژه باستانی زورخانه، رسوخ پیدا کند:

- انطباق بیشتر آموزه‌های تشیع با اسلام نبوی؛

- روحیه ظلم‌گریزی و دشمن‌ستیزی تشیع و - به اصطلاح - استمرار روحیه

مبارزه با دشمن غاصب در آموزه‌های تشیع؛

- ضرورت‌های اجتماعی در ایران پس از سقوط بغداد؛ در این دوره، با وجود خلأ سیاسی ایجاد شده، خلافت گرایش بیشتری به آموزه‌های ضد ظلم پیدا کرده بود. - رشد گرایش به تشیع در این مقطع.

بر این اساس و به مرور، شیعیان ضمن نفوذ در لایه‌های مدیریت فرهنگی و سیاسی ایران، توانستند آموزه‌های دینی خود را به مسائل گوناگون جامعه سرایت دهند. این جریان، که از پیش از سقوط بغداد شروع شده بود، در این دوره به شکل فزاینده‌ای به سطوح گوناگون جامعه وارد شد. نام امام علی علیه السلام زینت‌بخش مراسم و آیین‌های گوناگون شد. صفات این بزرگ‌مرد جامعه نبوی را کسانی تقلید کردند که شاید قبلاً نیز اعتقادی به حکومت شیعیان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله نداشتند. او مظهر حق و نماد پهلوانی ایرانیان قرار گرفت و پیوندی بین این آموزه‌های دینی با دانسته‌های تاریخی و فرهنگی ایران پیش از اسلام فراهم گردید. نکته جالب در این پیوند جدید نیز این بود که در هر دو، رنگ مذهبی پهلوان‌پروری کاملاً مشهود است. ویژگی‌های پهلوانان دشمن‌ستیز ایران باستان در پوشش جدید، رنگ شیعی به خود گرفت و ائمه معصومین علیهم السلام، به‌ویژه امام علی علیه السلام، نماد تمام این حماسه‌ها شد. امام علی علیه السلام به عنوان «بزرگ‌ترین رهبر حق‌طلب و حق‌خواه و پاک و جوان‌مرد» و با تکیه بر فضایل انسانی عالی‌اش، مورد توجه ویژه ایرانیان قرار گرفت و نوعی «رستم‌سازی» در جامعه ایران مرسوم شد. (برزگر، ۱۳۵۰، ص ۱۱۹) در این میان، ورزش باستانی زورخانه مهم‌ترین عرصه این پیوند شد؛ پیوندی که تجلی اعتقادات دینی در ورزش بود. اگرچه تاریخچه ورزش زورخانه در هاله‌ای از نظرات متفاوت باقی مانده، «اما محل تردید نیست که مظاهر و مراسم تشیع در زمان سلاطین صفویه در زورخانه رواج یافته» است. (پرتو بیضایی کاشانی، ۱۳۸۲، ص ۲۷) نظر به اهمیت این تاریخچه در تبیین نقش این ورزش در ترویج تشیع، این مسئله باید واکاوی شود. در ادامه، این موضوع بررسی می‌شود:

جستاری در تاریخ ورزش باستانی زورخانه

ورزش باستانی زورخانه ورزش ملی ایران شناخته می‌شود. واژگانی که در تعریف این ورزش به کار رفته و شامل «باستانی»، «زورخانه» و «ملی» می‌شود، برخی مواقع مانع توجه به تحقیقات علمی درباره تاریخچه آن می‌شود. در هیچ‌یک از منابع و گزارش‌های تاریخی، نشانی از وجود این ورزش با این شکل و عملیات در دوره باستان دیده نمی‌شود. بر این اساس، در بررسی تاریخ این ورزش، نمی‌توان آن را به دوره باستان مربوط دانست؛ اگرچه در ریشه‌یابی فرهنگی این ورزش، ناگزیر از مطالعه ورزش‌های رایج در دوره باستان هستیم. نکته مهم‌تر این است که حتی در میان انواع ورزش‌های رایج در قرون نخستین اسلامی نیز مشخصاً این نوع ورزش دیده نمی‌شود. در آن دوران، در زندگی روزانه مردم، به‌ویژه اقشار بالا و نیز برای پرورش جوانان، بازی‌هایی همچون سوارکاری، پرتاب نیزه و تیراندازی، کشتی، به کار بردن گرز و تبرزین و چوگان مرسوم بود. (اشپولر، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۹۸) اما به دلیل آنکه ورزش باستانی زورخانه، هم به لحاظ اعمال و عملیات ورزشی و هم از نظر بنا و ساختمان محل ورزش و هم به دلیل وجود صفات و ویژگی‌های اخلاقی و انسانی ورزش‌کاران آن، ترکیب جامعی از ورزش‌های رایج در دوره باستان و نیز ایران دوره اسلامی است، می‌توان گفت: «اگر از بعد فرهنگی - اجتماعی به این ورزش بنگریم، رنگ باستانی دارد، ولی اگر به عملیات و پیدایش آن توجه کنیم، بی‌شک مربوط به بعد از اسلام است.» (تهرانچی، ۱۳۶۴، ص ۳۵) بر این اساس، نگاهی به نظریات مطرح‌شده درباره پیشینه این ورزش، می‌تواند ضمن رفع ابهام‌های موجود، از ارتباط این ورزش با فرهنگ و تاریخ ایران رمزگشایی کند.

بعضی از محققان، ارتباطی بین شکل‌گیری اولیه ورزش باستانی زورخانه و آیین مهری در ایران برقرار ساخته‌اند. برای نمونه، در بعضی از این پژوهش‌ها، به شباهت‌هایی میان ساختمان زورخانه و معابد مهری اشاره شده است. (بهار، ۲۵۳۵، ص ۶-۸) برخی دیگر، اطلاق واژه «ورزش باستانی» به عملیات زورخانه‌ای را از نما و

شمای عمومی آن می‌دانند، همان‌گونه که تشابه فضایل اخلاقی پهلوانان زورخانه با اخلاقیات مورد تأکید در ایران باستان را حاکی از نشأت‌گرفتن ورزش باستانی زورخانه از آیین‌های ایران باستان و به طور مشخص، دین زرتشت می‌دانند. (انصاف‌پور، ۱۳۸۶، ص ۲۴ و ۵۵) نمونه بارز این موضوع، مفهوم «جوان‌مردی و پهلوانی» در داستان‌های شاهنامه است که نشان می‌دهد جوان‌مردی از ابتدای تاریخ کشور ما در زندگی ایرانیان وجود داشته و شجاعت و فداکاری و مروّت و تقوا، خصلت عمومی ایشان بوده است. (کاظمینی، ۱۳۴۳، ص ۹۱) همچنین گفته شده است: روح جوان‌مردی، فتوّت و صفات پهلوانی در زورخانه‌ها در بین پهلوانان، ریشه سنتی و تاریخی در ایران دارد که این، همان اصول اعتقادی مردم ایران باستان است که در سه اصل «پندار نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» خلاصه می‌شود. (انصاف‌پور، ۱۳۸۶، ص ۲۱)

از دیگر نشانه‌های ذکر شده برای این ارتباط، می‌توان به سنت «برهنگی» در زورخانه اشاره کرد که هم‌ردیف حق تشرّف مبتدیان به آیین مهری است. در آیین مهری، افرادی این اجازه را می‌یابند که بالغ شده باشند. در زورخانه نیز کسی می‌تواند در سلک پهلوانان در آید که «شانه بر صورت وی بایستد؛ یعنی تازه‌وارد باید بر چهره خود ریش داشته باشد.» (بهار، ۲۵۳۵، ص ۱۱)

اما مهم‌ترین فرضیه در بررسی این تاریخچه، آن است که آرمان‌گرایی اجتماعی از ویژگی‌های پایدار ورزش باستانی زورخانه است که در هر دوره از تاریخ ایران، با آیین معنوی آن دوره پیوند داشته است. (انصاف‌پور، ۱۳۸۶، ص ۱۲) بر این اساس، اگرچه می‌توان در ابتدا تا حدی از تشابه ورزش باستانی زورخانه با آیین مهری در ایران پیش از اسلام سخن گفت، اما این موضوع با آیین فتوّت رایج در تاریخ ایران پس از اسلام نیز درهم‌آمیختگی بیشتری داشته است. اما با توجه به آنچه شواهد تاریخی نشان می‌دهد، نسبت دادن ورزش باستانی زورخانه به دوره پیش از اسلام، فقط به دلیل تشابه برخی از اصول اخلاقی مورد تأکید در این ورزش با دوره باستان است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: ورزش زورخانه‌ای با این مشخصات و آدابی که

امروزه شاهد آن هستیم، در ایران باستان وجود نداشته و پیدایش این ورزش به دوره پس از اسلام مربوط است که بنا به نیازهای مقطعی، برای مقابله با ستم حاکمان و در زمان‌هایی از تاریخ ایران، به منظور مبارزه با ظلم و برتری‌جویی حاکمان عرب و نیز مقابله با استیلای مغول در ایران به وجود آمده است. (درکه، ۱۳۷۷، ص ۹) آنچه موجب تقویت این فرضیه شده آن است که انجام تمرین‌های بدنی مشکل در ورزش باستانی زورخانه، اشاره به تلاش ورزش کار برای دستیابی به دو هدف دارد:

۱. ورزش کار علاوه بر کسب مهارت‌های نظامی و جنگی، باید در پی کسب فضایل اخلاقی نیز باشد، از این رو، نیاز به بدنی نیرومند، چابک و ورزیده برای مبارزه ضرورت دارد که این امر تنها با اجرای تمرین‌های ورزشی حاصل می‌شود.

۲. سختی مبارزه در شرایط نامساعد و نابرابری امکانات، موجب می‌شود نیروهای مبارز برای غلبه بر دشمن، نیروی بدنی و توان جسمی خود را نیز تقویت نمایند.

بنابراین، با توجه به هدف غایی تمرین این حرکات فیزیکی، که همان اهداف جنگی و مبارزات نظامی بوده است، گروهی از جوانان معتقد و میهن‌پرست و ظلم‌ستیز به نام‌های «عیاران»، «جوان‌مردان» و «فتیان» که بعضاً وابستگی‌هایی نیز به تصوف داشتند، با استفاده از سنت‌های کشتی پهلوانی، که از روزگاران پیشین باقی مانده بود، شروع به پایه‌گذاری اصول ابتدایی این ورزش کردند. در این میان و به طور مشخص، فتیان نقش بیشتری داشتند. آنها جوان‌مردان شجاع و عارف‌پیشه‌ای بودند که شیوه عزت نفس، حق‌گویی و مردانگی و مسئولیت‌پذیری را سرلوحه خود قرار داده بودند. این ویژگی‌های اخلاقی همراه با توانمندی جسمی آنها، موجب پدیدآمدن گروهی شد که پرچمدار مبارزه علیه عمال و حاکمان ستمگر بودند. (تهرانچی، ۱۳۶۴، ص ۳۱)

بدین روی و به تدریج، اندیشه مبارزه با ظلم و تبعیض که از زمان حکومت قوم گرایانه بنی‌امیه شدت و سپس در قالب گروه‌های فتوت تجلی یافته بود، تا آغاز دوره صفوی - که مذهب تشیع در ایران رسمیت یافت - علاوه بر تأثیرگذاری در

عرصه‌های سیاسی - اجتماعی، به سمت فعالیت‌های ورزشی نیز کشیده شد و در این راه، ورزش باستانی زورخانه انسجام یافت و به مرور، شکل امروزی آن متولد گردید. عمومیت این ورزش در دوره صفویه، به گونه‌ای بود که شاردن می‌نویسد: «در تمام خانه‌های اعیان و اشراف، مخصوصاً در منازل حکام ایالات، چنین مکانی [زورخانه] برای ورزش خویش آماده دارند.» (شاردن، ۱۳۳۶، ج ۴، ص ۱۸۴) این ورزش، که در زمان حضور شاردن در اصفهان، ورزش اشخاص پست و منحصر به افراد بی‌قدر و قیمت بود و علت آن جایگاه ضعیف صوفیان در جامعه و ارتباط بین این ورزش و این گروه بود، اما به تدریج از جایگاه بالایی برخوردار شد، به گونه‌ای که در زمان شاه سلطان حسین و در میان مقامات درباری، مقامی با عنوان «پهلوان‌باشی» وجود داشت که مسئولیت نظارت بر کار پهلوانان و عملاً ورزش‌کاران پهلوانی و زورخانه‌ای را داشت. علاوه بر این، مقاماتی همچون «شاطر‌باشی» و «قلندر‌باشی» در میان کارگزاران صفوی دیده می‌شود که تاحدی با ورزش‌کاران و کشتی‌گیران زورخانه‌ای مرتبط بود. (آصف، ۱۳۵۲، ص ۱۰۱) با توجه به حضور و نقش فزاینده ورزش و بر اساس عادات و اعتقادات و آیین تصوف، زورخانه به ترتیب از «لنگرگاه»، «عبادت‌خانه»، «ورزش‌خانه» در نهایت، به «زورخانه» تغییر نام داد. (انصاف‌پور، ۱۳۸۶، ص ۵۶) شاردن می‌نویسد: «جاهایی را که برای مصارعت [کشتی‌گیری] اختصاص دارد، «زورخانه» می‌نامند که به معنی محل نیرو است.» (شاردن، ۱۳۳۶، ج ۴، ص ۱۸۴)

در این سیر تاریخی، دوره حملات مغول و تسلط آنها بر ایران و حتی روزگار فروپاشی آنها، در شکل‌پذیری ورزش باستانی زورخانه دوره مهمی محسوب می‌شود. در این دوره از تاریخ ایران، که دوره آشوب و ستمگری حاکمان مغول در ایران بود، پناه‌بردن مردم به خلوت و فراهم ساختن آرامش دل و باطن، موجب قوت گرفتن دوباره تصوف در ایران شد. رشد اندیشه‌های صوفیانه و اقبال عمومی از آن به همراه برافروخته شدن شعله‌های میهن‌پرستی، بار دیگر گرایش به فتوت و پهلوانی را زنده کرد. سقوط دستگاه خلافت عباسی به عنوان مهم‌ترین پشتوانه سنت، همراه با دوری

مغولان از تعصبات مذهبی، زمینه را برای گرایش به تشیع نیز فراهم نمود. بر همین اساس، تشکیلات صوفیانه، سازمان‌های فتوت و گروه‌های پهلوان‌مآب نیز از این پدیده جدید تأثیر پذیرفته، برخی نشانه‌های تشیع، همچون محبت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در آنها راه یافت. کشتی پهلوانی، که از دیر هنگام در ایران رایج بود، با برخی نمادهای جدید، که از یک سو از فضای نوین مذهبی متأثر بود و از سوی دیگر، از شرایط اجتماعی و سیاسی نشئت می‌گرفت، مورد توجه قرار گرفت. اختصاص مکانی برای این ورزش، که در سطحی پایین‌تر از زمین قرار داشت، اضافه شدن خصلت‌های جوان‌مردی به این نوع کشتی، به کارگیری شیوه‌های نوین همراه با استفاده از وسایلی که شباهت چشمگیری به سلاح‌های جنگی داشت، نشانه‌های چرخش محسوس این ورزش در این دوره بود. (تهرانچی، ۱۳۸۵، ص ۳۱-۳۲) در یک نمونه مشخص برای این موضوع، می‌توان به دولت شیعی سربداران اشاره کرد. صرف‌نظر از زمینه‌های شکل‌گیری این دولت و بررسی فراز و فرود آن، دولت شیعی سربداران سبزوار نمونه عینی برای ترکیب آموزه‌های شیعی و سنت پهلوانی بود. رهبران مذهبی این دولت با گرایش تشیع، در کنار رهبران سیاسی آن با منش پهلوانی، ساختاری از یک دولت را به نمایش گذاشتند که تجلی آموزه‌ها و باورهای شیعی در ورزش پهلوانی بود. تمامی رهبران سیاسی این دولت با عنوان «پهلوان» معروف بودند و این خود، شروعی بود برای یک مبارزه اساسی که در نهایت، به تشکیل یک دولت متمرکز و فراگیر قدرتمند شیعی در قرون بعدی منجر شد. بر این اساس، اگرچه ورزش باستانی زورخانه به شکل امروزی آن هنوز شکل نگرفته بود، اما خصلت‌های یک ورزش کار باستانی، ابزار و ادوات مورد استفاده و مکان انجام ورزش در این دوره، حرکت به سوی تشکیل یک نهاد اجتماعی مؤثر را نوید می‌داد. شیوخ صفوی به‌ویژه آخرین‌های آنها و به طور خاص اسماعیل را با صفات شجاعت و پهلوانی در منابع می‌توان دید. اسماعیل را باید تجلی تمام صفات پهلوانی و گرایش‌های شیعی دانست که در روزگار پس از سقوط مغولان در ایران رشد کرده بود. از این رو، اگر دوره صفویه را به عنوان

«دوره شکل‌پذیری ورزش باستانی زورخانه» معرفی کنیم، سخن گزافی نیست. از آن پس، این ورزش به مرور زمان، به یک ورزش کاملاً مذهبی تبدیل شد، به گونه‌ای که شاخصی برای رسمیت تشیع در ایران نیز محسوب می‌شود. پایداری این ویژگی تا جایی پیش رفت که در سخت‌ترین روزگار مذهبی ایران و در شرایطی که تلاش گسترده استبداد داخلی و استعمار خارجی، مذهب و اعتقادات جامعه را نشانه گرفته بود و تشیع‌زدایی و در مرتبه بالاتر، اسلام‌ستیزی در ایران رایج بود، ورزش باستانی زورخانه، مروج اصلی تفکر شیعی در کانون‌های ورزشی و طبقات پایین به شمار می‌آمد. جایگاه این ورزش در باورهای مذهبی مردم ایران، اشعار و مضامین رایج در آن، ابزار و ادوات، شکل و نمادهای موجود در محل برگزاری این ورزش و روح حاکم بر آن به گونه‌ای بود که به عنوان مذهبی‌ترین فعالیت ورزشی، مروج آداب شیعی درآمد. اهمیت این اجزا و ارکان در دوره مزبور، توجه بیشتر به آن را در بررسی تأثیرگذاری این ورزش در گسترش تشیع نشان می‌دهد که در ادامه، بررسی می‌شود:

نمادهای تشیع در ورزش باستانی زورخانه

در زورخانه، علایم و آثار فراوانی در ورای ساختمان، آلات و اسباب، حرکات ورزشی و قوانین و مقررات حاکم بر ورزش باستانی وجود دارد که هر کدام از این نمادها مفاهیم معنوی را در خود جای داده است. همبستگی و هماهنگی این نمادها در کنار یکدیگر، مجموعه تقریباً کاملی از مفاهیم و ویژگی‌های آموزه‌های مذهب تشیع را به نمایش می‌گذارد که بازخوانی آنها یک ورزش را متجلی می‌سازد، به گونه‌ای که گویا ورزش‌کار باستانی با استفاده از این نمادها و اجرای حرکات فیزیکی، عقاید مذهبی خود را نیز بیان می‌کند. در این باره، می‌توان نمادهای مذهب تشیع را - به ترتیب - در ساختمان، حرکات ورزشی، آلات و اسباب و آداب و سنن ورزش باستانی زورخانه بررسی کرد تا در تحلیل نهایی نقش و جایگاه این ورزش در ترویج مذهب تشیع مورد استفاده قرار گیرد.

الف. ساختمان زورخانه

ساختمان زورخانه از نظر نمای بیرونی و اجزای درونی خود، نمادهای متعددی را در خود جای داده که اولاً، متفاوت از تمام دیگر ویژگی‌هاست. ثانیاً، نمایی از آموزه‌های مذهبی تشیع، ویژگی‌های طریقت صوفیانه و یادآور خصلت‌های پهلوانی است. آنچه در این میان اهمیت دارد آن است که با تشکیل دولت صفویه و به‌تدریج، با جای‌گزینی تشیع فقه‌ای، فعالیت‌های صوفیان تحلیل رفته و شاهد چرخش آنها به سوی تشیع و جایابی مفاهیم و نمادها و ویژگی‌های صوفیانه در آموزه‌های تشیع هستیم. از این‌رو، حتی آن بخش از اجزای ساختمانی زورخانه را که به خانقاه صوفیان شباهت دارد، باید به حساب نزدیکی به تشیع گذاشت تا به فرهنگ صوفیان. بر این اساس، شکل و نمای ساختمان زورخانه در نمای خارجی دارای طاقی شبیه گنبد است و در نمای داخلی و درست در زیر گنبد با گودی در وسط و سکوهای پیرامون آن به منظور نشستن تماشاچیان. این شکل معماری در نگاه اول، شباهت‌های فراوانی با خانقاه‌ها دارد. اگرچه به دلیل همراهی عیاران و پهلوانان با اهل تصوف در مقاطعی از تاریخ ایران پس از اسلام، می‌توان گفت: این شکل زورخانه‌ها متأثر از خانقاه صوفیان است. (کاظمینی، ۱۳۴۳، ص ۲۱۸) اما علاوه بر این، نباید فراموش کرد که گنبد در معماری اسلامی به یک نشانه خاص برای اماکن زیارتی و مقدس شیعیان تبدیل شده است. از این‌رو، اگرچه گنبد را در معماری سایر فرق اسلامی و سایر اماکن مذهبی نیز می‌توان دید، اما به دلیل احترام و قداستی که ورزش‌کاران برای زورخانه قایلند، می‌توان تشابه معنایی بین شکل زورخانه و سازه‌های شیعی را نیز در نظر گرفت.

پایین‌تر قرار گرفتن ساختمان زورخانه از سطح زمین، بنا بر اظهار نظر برخی محققان، به علت پنهان‌بودن فعالیت‌های ورزشی پهلوانان از دید حاکمان دوره خود به منظور تجدید قوا و پرورش جسم و آماده شدن برای مبارزه با حاکم ظالم بوده است. از این نظر نیز تشابه محسوسی را بین این ویژگی زورخانه با روحیه ظلم‌ستیزی نهفته در اندیشه تشیع می‌توان دید. ساختمان زورخانه و علاوه بر آن، گودی قسمت مرکزی

زورخانه، که ورزش‌کاران در آن به ورزش می‌ایستند و خم شدن اجباری ورزش‌کار در هنگام ورود به زورخانه به دلیل کوتاهی ارتفاع مدخل، تداعی‌کننده مفاهیم بلند اخلاقی و فضایل ارزشمندی همچون احترام به اماکن مقدّس، دوری از غرور و کبر و نخوت و خودداری از برتری‌جویی نسبت به دیگران است؛ مفاهیمی که در آموزه‌های شیعی بر آن تأکید می‌شود و ائمه اطهار (ع) به‌ویژه حضرت علی (ع) علاوه بر توصیه به آنها، خود مصداق واقعی از یک انسان عامل به این ارزش‌ها هستند. گودی مرکزی زورخانه علاوه بر این ویژگی مفهومی، از نظر شکلی نیز ارتباط نزدیکی با نمادهای مذهبی تشیع دارد. این قسمت از زورخانه را اصولاً چهار و یا شش گوش می‌سازند. باور عمومی باستانی‌کاران بر این است که این شکل نیز از قبر چهار گوش امام علی (ع) و یا شش گوش امام حسین (ع) الهام گرفته است. (کاظمینی، ۱۳۴۳، ص ۲۲۱/ انصاف‌پور، ۱۳۸۶، ص ۲۸۵) همچنین این باور وجود دارد که گود زورخانه یادآور تشنگی حسین بن علی (ع) در صحرای کربلاست تا بدین‌سان، ورزش‌کار همواره خود را در آن وضعیت احساس کند.

آنچه ضرورت دارد تا در این قسمت مورد توجه قرار گیرد، این است که به رغم اهمیت این نمادهای فرهنگی در ساختمان زورخانه، متأسفانه هیچ بنای زورخانه‌ای که متعلّق به دوران‌های پیشین این ورزش باشد، باقی نمانده است. در تبیین چرایی این موضوع، توجه به دو نکته ضروری است:

اول آنکه بنای زورخانه بر خلاف مساجد و کاروان‌سراهای معظم، که توسط پادشاهان و بزرگان برپا می‌شد، به وسیله مردم خرده‌پا و طبقات نسبتاً پایین ساخته می‌شد. از این‌رو، بنای بادوام و ماندگاری نبود تا به یادگار بماند. (انصاف‌پور، ۱۳۸۶، ص ۸۰)

دیگر آنکه این بناها در معرض تهاجم تجدد و مدرنیسم نتوانست مقاومت کند. در این تهاجم، همه اجزا و ارکان این ورزش ملی و دینی هدف قرار گرفت و از این میان، ساختمان و بنای زورخانه بیشترین آسیب را دید.

«سردم» زورخانه، یعنی جایی که مرشد بر آن می‌نشیند و ضرب می‌گیرد و اشعار حماسی و مذهبی می‌خواند، شباهت زیادی با منابر وعظ و سخنرانی دارد. اگرچه پیدایش سردم با زورخانه همخوانی دارد، اما این بخش از زورخانه در زمان صفویه اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد و به منبری معتبر برای اشاعهٔ مذهب تشیع در میان مردم، بخصوص در ماه رمضان و نیز ایام عزاداری امام حسین (ع) تبدیل شد. (پرتو بیضایی کاشانی، ۱۳۸۲، ص ۴۴-۴۶) از این مکان، اشعار مذهبی و مدح و منقبت اهل‌بیت (ع) بیان می‌شد و به طور کلی، سردم به دستگاهی برای اشاعهٔ شعائر شیعی تبدیل گردید. این موضع زورخانه شاخص‌ترین مکان تبلیغ تشیع محسوب می‌شود. اگر شکل و سازه‌های بیرونی زورخانه در دوران بعد و به‌ویژه در دوران پهلوی و تحت تأثیر معماری غیرایرانی و اسلامی و - به اصطلاح - «مدرنیسم» تاحدی شکل سابق خود را ازدست داد، اما حتی در شکل جدید زورخانه‌ها نیز سردم حفظ شد و کارکرد مذهبی آن به قوت خود باقی ماند. وجود تمثال مبارک حضرت علی (ع) در بالای سردم در روزگار ذکر شده، تنها نمونه‌ای از تداوم کارکرد مذهبی این بخش است، اگرچه فراتر از آن، استمرار مدح و منقبت‌خوانی اهل‌بیت (ع) از این قسمت را باید تداوم حیات سردم در این روزگار سخت محسوب نمود. (عبّاسی، ص ۱۵)

ب. حرکات فیزیکی ورزش زورخانه

حرکات فیزیکی ورزش باستانی زورخانه به دو دسته تقسیم می‌شود که تعدادی از آنها با آلات و اسباب مخصوص اجرا می‌شود و تعدادی دیگر مانند شنا رفتن و چرخ زدن بدون وسیله صورت می‌گیرد. نوع اسباب و آلات این ورزش تا حدی با مفاهیم شیعی پیوند دارد، اما مراسم رایج در هنگام حرکات فیزیکی و استفاده از این اسباب تماماً مذهبی است. از این‌رو، شعر و ذکرخوانی در هنگام اجرای حرکات فیزیکی، نماد کاملی از آموزه‌های شیعی است که در ادامه، به اجرای آمیخته با اصول مذهبی شیعه در این حرکات اشاره می‌شود.

۱. **میل گرفتن (میل بازی):** «میل» در بدو پیدایش، شبیه به گرز و از چوب و آهن ساخته شده بود و در ورزش هم برای پرورش بدن به منظور مهارت در گرزکوبی به کار می‌رفت. میل‌های امروزی از چوب‌های سخت ساخته می‌شود که بدنه‌ای استوانه‌ای با دسته‌ای کوتاه دارد. هنگام میل گرفتن، مرشد ابیاتی با مضامین اخلاقی - که مفاهیم ارشادی دارد - می‌خواند و با بیان رشادت‌های امامان شیعه علیهم‌السلام و بیان خصایص ایشان، ورزش‌کاران را تشویق می‌کند. در برخی زورخانه‌ها و به هنگام میل بازی، «مرشد به تناوب، ضرب می‌گیرد و کلماتی را با صدای بلند و کشیده ادا می‌کند: آی... شیر بیابان نجف، علی اژدر...» (کاظمینی، ۱۳۴۳، ص ۳۳۳)

۲. **زنجیر و کَبّاده:** «کَبّاده» الگوبرداری شده از همان کمان‌های جنگی قدیمی است. با این اختلاف که کمان‌های جنگی را از قطعات استخوان و با زهی از روده و چرم مخصوص می‌ساختند، اما کَبّاده دارای کمانی آهنی است و به جای زه، زنجیری درشت و آزاد دارد که حلقه‌های آهنین در آن تعبیه شده و از دو سر کمان آویخته شده است. هنگام کَبّاده کشیدن، در هر حرکت باید با ضربه‌های ویژه، صدای زنجیر بلند شود. زنجیر و کَبّاده در فرهنگ فتیان و پهلوانان، نماد همبستگی و دادخواهی است. این دو وسیله در خارج از زورخانه نیز دیده می‌شود. زنجیر و کَبّاده در مدخل ورودی امام‌زاده‌ها نشان از مقدّس بودن مکان و دادخواهی و طلب عدالت است. زنجیر و کَبّاده در ورزش باستانی زورخانه نیز از صفت دادخواهی و طلب عدل، که یکی از اصول مورد تأکید در مذهب تشیع است، حکایت می‌کند. (تهرانچی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۲) در این دسته از حرکات، مهم‌ترین ذکر که توسط مرشد زورخانه از حضّار طلب می‌شود، «صلوات» است. (کاظمینی، ۱۳۴۳، ص ۳۵۱) طنین این ذکر معنوی نشان دیگری از حاکمیت روح تشیع بر ورزش باستانی زورخانه است. صلوات در این مکان مصداق کاملی از شعائر شیعی است که پیوند عمیقی با جان و روح ورزش‌کاران دارد. یکی از اذکار بسیار مورد توجه و تکرار در این محفل ورزشی و پهلوانی، همین ذکر است.

۳. **سنگ گرفتن:** «سنگ» تخته‌ای است مستطیل شکل که در وسط آن دستگیره‌ای تعبیه شده و ورزش کار آن را از جادستی‌ها گرفته، بالای سر می‌برد و شروع به غلطیدن به راست و چپ می‌کند. در سنگ گرفتن پس از طلب صلوات و یاری از ائمه اطهار علیهم‌السلام، شمارش مراتب سنگ گرفتن با دعا آغاز می‌گردد. اما شمارش اعداد به طور مستقیم صورت نمی‌گیرد. جملات کوتاهی که پس از هر عدد بیان می‌شود، هر کدام کنایه و استعاره‌ای متناسب از نمادهای شیعه و عدد مشابه و مورد نظر شمارنده سنگ است. شمردن اعداد به این طریق، در عین حال که شعر را به زیبایی نگه می‌دارد، صورت کاملی از شعائر مذهبی شیعه و ذکر ایشان را، که عمده‌ترین اصول و عقاید ایشان است، نشان می‌دهد. (کاظمینی، ۱۳۴۳، ص ۳۲۲)

شماره مراتب سنگ گرفتن از گذشته تا حال و با توجه به شرایط زورخانه و پهلوانان متفاوت است. حداقل گرفتن سنگ، پنجاه جفت و حداکثر یکصد و هفده جفت است. (عبّاسی، ص ۲۱) ناگفته نماند که در اعدادی که عبارت خاصی ندارد، به همان لفظ عدد اکتفا می‌شود. (پرتو بیضایی کاشانی، ۱۳۸۲، ص ۷۰) همچنین ممکن است برخی عبارات اعداد در شهرها و حتی زورخانه‌های یک شهر متفاوت باشد، اما از بررسی دقیق عبارات اعداد در دو نمونه، حداقل ۱۴ و حداکثر ۲۲ عبارت، مستقیماً با شعائر شیعی (همچون «پنجه خیرگشا، شش گوشه قبر حسین، چهارده معصوم پاک، هفده کمر بسته مولا، بیست آقای قنبر علی است، هشت بیست یا امام رضا، سه چهل علی است شیر خدا، پنجاه هزار بار بر جمال قائم صلوات») ارتباط دارد. (ر.ک: کاظمینی، ۱۳۴۳، ص ۳۱۸-۳۲۱ / پرتو بیضایی کاشانی، ۱۳۸۳، ص ۷۰-۷۱)

همچنین در بررسی یک نمونه از عبارات اعداد در چرخش یکصد و هفده جفتی از سنگ، ارتباط مستقیم بیش از ۶۵ عبارت با شعائر شیعی مشهود است. (ر.ک: عبّاسی، ص ۲۳-۲۵) به همین دلیل، سنگ گرفتن در میان حرکات فیزیکی ورزش باستانی زورخانه و اشعاری که در هنگام انجام این بخش قرائت می‌شود، بیش از همه شعائر شیعی را متجلی می‌سازد؛ همان‌گونه که اعداد نیز در این بخش، دارای مفهومی

مذهبی هستند. اعداد ۱۲، ۷۲ و ۱۱۰ که در برخی دیگر از حرکات این ورزش مورد توافق است، به حتم، دارای ریشه‌های مذهبی و خاصه مرتبط با آموزه‌های شیعی است. (تهرانچی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۹)

۴. چرخ زدن: هنر «چرخیدن» یکی از حرکات ظریف و دقیق در ورزش باستانی زورخانه است. چرخ زدن در ابتدا، برای چالاک شدن در حرکت و سپس به منظور به آسانی دور خود گشتن در مواقع جنگ و ستیز تمرین می‌شده است. (کاظمینی، ۱۳۴۳، ص ۳۴۴) این بخش از حرکات فیزیکی، که روزگاری به عنوان نمادی از پای کوبی و سماع درویشان محسوب می‌شد، با رواج و رسمیت تشیع، کارکردی مذهبی پیدا کرد. اگر حرکت و گردش نزد صوفیان اهمیت بسزایی داشت و آنان چرخیدن را با ذکر کلمه «هی» انجام می‌دادند (تهرانچی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۲)، بعدها و به‌ویژه به دلیل ترکیب این حرکت با شعائر شیعی و تلفیق آن با ذکر صلوات و دعا، رنگی کاملاً شیعی به خود گرفت.

۵. شنا رفتن: «شنا» در ورزش باستانی زورخانه به منظور تقویت تمام ماهیچه‌های بدن، به‌ویژه، سرشانه و بازوها، صورت می‌گیرد. اما شنا رفتن در گود زورخانه، نماد طلب است و به خاک افتادن، و این مقام عبادتی کبیر به شمار می‌رود. هنگام شنا رفتن ورزش کار باستانی، بانگ «الله الله» و «علی علی» در زورخانه بلند می‌شود. طبق اصول و عقاید اسلامی، آدمی از خاک برخاسته است و سرانجام به خاک می‌رود. بر این اساس این بخش از حرکات فیزیکی ورزش باستانی زورخانه، انسان باید در مقابل آفریننده خود، بر خاک عبادت کند و حفظ سلامتی تن و ورزش نیز از جمله عبادات محسوب می‌شود. (کاظمینی، ۱۳۴۳، ص ۳۲۷)

آیین پهلوانی در زورخانه و تأثیرپذیری آن از آموزه‌های شیعی

ورزش باستانی زورخانه، هم متأثر از آیین پهلوانی است و هم بر آن تأثیر گذاشته است. پهلوانان و آیین و رسوم آنها، که در روزگاری به عنوان یکی از راه کارهای

برونرفت از سلطه نژادگرایانه اعراب بر ایران مورد توجه قرار گرفته بود، در روزگار پس از حمله مغول نیز به شدت مورد استقبال واقع شد. از این رو، به عنوان میراث فرهنگی پایداری باقی ماند تا در شکل تکاملی خود، به ورزش باستانی زورخانه رسید. این ورزش نیز بر این آیین تأثیر گذاشت. شاید مهم‌ترین تأثیر آن، این باشد که با رسمیت تشیع در دوره صفوی و به مرور زمان، با جداسازی این آیین از ورزش کشتی پهلوانی، زمینه شکل‌گیری ورزش باستانی زورخانه را فراهم کرد؛ ورزشی که داشتن صفات پهلوانی و تقید به شریعت از شاخصه‌های آن است. در این شرایط جدید، نور حقانیت حضرت علی (ع) که در آیین فتوت و جوان‌مردی می‌درخشید، مورد توجه ایرانیان قرار گرفت. (حاکمی، ۱۳۸۲، ص ۲۰-۲۱) به‌ویژه پهلوانان سعی نمودند تا مبانی انسانی و اخلاقی را که حضرت علی (ع) به عنوان امام و پیشوای شیعیان سرلوحه رفتار خود قرار داده بود، در رفتار و سلوک خود پیاده کنند. الگو شدن حضرت علی (ع) برای پهلوانان به سمت و سویی جهت یافت که فتوت و اخوت به عنوان دو اصل اساسی در آموزه‌های شیعی مورد توجه قرار گیرد. آن حضرت با تأکید بر این ویژگی‌های اخلاقی، سعی در برقراری عدالت و مساوات در جامعه داشتند تا همواره مبنای قوانین حقوقی و اجتماعی یک جامعه شیعی باشد. علاوه بر ایشان، سایر امامان معصوم (ع) نیز تکیه بر همین دو اصل را مبنای رفتار و تعالیم خود قرار دادند.

«فتوت یا جوان‌مردی» فضایی همچون سخاوت و رشادت و بزرگواری و بردباری را در خود جای داده است. اعراب قدیم به کسی «فتی» می‌گفتند که به منتهای مفهوم انسانیت رسیده باشد و از میان فضایل، به سخاوت و شجاعت بیشتر توجه داشته باشد. بعدها همین دو فضیلت از ارکان فتوت به شمار آمد. (حاکمی، ۱۳۸۲، ص ۱۹)

دیگر اصل اخلاقی شیعه «اخوت» است. «اخوت» به معنای برادر فرض کردن تمام خلق است؛ به این معنا که دیگران را همخون خود بدانند و بدین‌سان، گذشت و نیک‌خواهی در بین افراد اهمیت فراوانی پیدا می‌کند (نیرومند، ۱۳۶۴، ص ۱۶۳-۱۸۵)

«اخوّت» و «فتوّت» که دو اصل اخلاقی مورد تأکید مذهب شیعه محسوب می‌شود، از یکدیگر جدا نیست و در حالت آرمانی فضایل اخلاقی یک شیعه واقعی قرار دارند. از این‌روست که ورزش‌کار باستانی با پیروی از پیشوای بزرگ شیعیان، سعی می‌کند روحیه جوان‌مردی و تقویت اصول اخوّت و فتوّت را در رفتار و کردار خود پرورش دهد.

بدین‌روی، اگرچه آیین پهلوانی در ابتدا تنها به عنوان جریانی که هدفی قومی و ملّی را دنبال می‌کرد، در ادامه و به‌ویژه از زمان صفویه به بعد و به‌تدریج، با تأثیرپذیری از آموزه‌های تشیع، به عنوان ابزاری در جهت تبلیغ و توسعه تشیع مطرح گردید. یک پهلوان واقعی از این زمان به بعد، مصداقی از یک شیعه معتقد و پاک‌نیت بود که با اقتدا به مولای خود، حضرت علی (ع)، مظهر حق‌خواهی و ظلم‌ستیزی شد. یک پیامد مهم و مستمر این تأثیرپذیری آیین پهلوانی از آموزه‌های تشیع را می‌توان در دوران قاجار و سپس پهلوی مشاهده کرد. در این دوران مهم تاریخی، که طلیعه آشنایی و سپس تأثیرپذیری فرهنگ ایرانی از غرب بود و تحت شدیدترین فشارهای فرهنگی و تمدنی قرار داشت، جامعه ایرانی ضمن تفاوت قایل شدن بین پهلوانان با لوطی‌ها و لمپن‌ها، که مدعیان دروغین پهلوانی بودند، بالاترین حرمت را برای پهلوانان واقعی قایل بودند. پهلوانان در این دوران سخت، مدافعان واقعی برخی از آموزه‌های شیعی بودند و توانستند در قالب ورزش، از اصول اخلاقی شیعه حفاظت کنند. ورزش باستانی زورخانه در این دوران، ضمن حفظ این آموزه‌ها و انتقال آن به نسل‌های بعدی، موفق شد تا علوی‌گرایی را در بین طبقاتی از جامعه، که به شدت در معرض حمله غرب‌زدگی قرار داشت، نهادینه کند. این ورزش علاوه بر جذابیت‌های خاص ورزشی خود، به دلیل آنکه به عنوان ورزشی باستانی شناخته می‌شد و زمینه مناسبی برای تأمین اهداف و آمال ملّی‌گرایی ایرانی فراهم می‌کرد، سخت مورد توجه بود.

با وجود این مفاهیم و مضامین نهفته در تمام بخش‌های این ورزش، آن را باید مأذنه تبلیغ تشیع دانست. نام حضرت علی علیه السلام و اولاد ایشان و به‌ویژه توجهی که به منجی و قائم منتظر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در ورزش باستانی زورخانه وجود داشت؛ حتی در روزگاری که ارباب تمدن‌گرایی و رساندن ایران و ایرانی به دروازه تمدن با سرعت و قدرت هر چه بیشتر به نابودی و هدم فرهنگ دینی کمر بسته بود، از زورخانه‌ها شنیده می‌شد و موجب آرامش روح و جان ورزش‌کاران و مشتاقان این ورزش می‌گردید. در روزگاری که مراسم مذهبی شیعه سخت مورد تعرض قرار گرفته بود، حسینیه‌ها و تکایا تحت کنترل بود و بعضاً بسته شده بود و شعائر مذهبی شیعه از این کانون‌ها کمتر به گوش می‌رسید، در زورخانه‌ها و در هر صبحگاه، اذکار شیعی طنین‌انداز می‌شد. بی‌شک، همین کانون فرهنگی - مذهبی از مهم‌ترین حلقه‌های ارتباط معنوی جامعه شیعی ایران با باورداشتهای دینی خود در این روزگار سخت بود و توانست از این رهگذر، نقش مؤثری در حفظ فرهنگ اجتماعی شیعه ایفا نماید. از این نکته نباید غافل بود که در زورخانه‌ها در همین دوران نیز سیادت و انتساب به اهل‌بیت علیهم السلام، ارزش بود و سادات از جایگاه مهم و ویژه‌ای در زورخانه برخوردار بودند و مکان خاصی برای آنها در زورخانه وجود داشت (کاظمینی، ۱۳۴۳، ص ۳۳۹/ پرتویضایی کاشانی، ۱۳۸۲، ص ۵۳)، همچنان حفظ شد.

تشابه آداب زورخانه با آیین مذهب تشیع

زورخانه صرفاً یک مکان نیست، یک جریان فرهنگی است؛ جریانی که روح غالب بر آن روح مذهبی است. در این جریان، همه چیز دربردارنده و گویای مفاهیم عالی دینی و اخلاقی است. اما در این مفاهیم، آموزه‌های شیعی پررنگ‌تر است، حتی در نمونه‌هایی که - به زعم بسیاری - شبیه آموزه‌های صوفیان است. در این زمینه، توجه به این مسئله ضرورت دارد که تصوف و تشیع با تاریخ اجتماعی ایران اسلامی پیوندی ناگسستنی دارد، به‌گونه‌ای که برای بررسی پیشینه فرهنگی ایران و اطلاع از

زندگی معنوی نسل‌های ایرانی، مطالعه عمقی و تحلیلی تشیع و تصوف ضرورت دارد. (الشیبی، ۱۳۷۴، ص ۹) حتی اگر گفته نفیسی را که معتقد است تصوف ایرانیان اساساً یادگار دوره ساسانیان است، بپذیریم. (نفیسی، ۱۳۶۶، ص ۵۱)، اما در دوره اسلامی، فرایند نزدیکی تصوف به تشیع رو به افزایش گذاشت. این مسئله نیز در دوره صفویه شدت بیشتری گرفت، به گونه‌ای که «در مورد تأثیر تصوف در آغاز تشیع عصر صفوی، بجاست گفته شود که منشأ صوفیانه حکومت و واگذاری قدرت به شیعه، نزدیکی این دو گرایش را ممکن ساخت، تا آنجا که در آمیخته شدند.» (الشیبی، ۱۳۷۴، ص ۳۹۷) از این بررسی تاریخی و نظری چنین برمی‌آید که بسیاری از آنچه در روزگار صفویه و در روزگار جداسازی تشیع و تصوف صورت پذیرفت، به مقتضای شرایط و ویژگی‌های اجتماعی بود. به عبارت دیگر، بسیاری از آنچه در این روزگار به تصوف و صوفیان نسبت داده می‌شود، به معنای آن نیست که این مسائل به حریم تشیع راهی ندارد، بلکه بعکس، اصلاً در این نمونه‌ها، این جداسازی معنا ندارد. مصداق عینی این موضوع را در آداب زورخانه می‌توان دید. اگر ورزش باستانی زورخانه روزگاری در پیوند نزدیک با تصوف غیر شیعی قرار داشت، از روزگار صفویه به رغم شباهت با آداب صوفیان، به یک ورزش با نمادهای شیعی تبدیل شد. از این‌رو، اگر همچنان آداب این ورزش با تصوف مقایسه شود، منظور تصوف آمیخته با تشیع است. بر این اساس، مقایسه آداب را، حتی به فرض تشابه آن با مناسک صوفیان، باید به حساب تشیع گذاشت؛ زیرا از زمانی که این ورزش رنگ مذهبی تشیع به خود گرفته و موجب ترویج آن گردیده، هیچ‌گاه وسیله‌ای برای تبلیغ تصوف نبوده است. با این وصف، باید گفت ادبیات و اصطلاحات زورخانه و مراتب و القاب ورزش‌کاران و پهلوانان در مراحل ممارست ورزش باستانی، شباهت فراوانی با آداب و مناسک صوفیان دارد. ورزش‌کاران باستانی سالکانی هستند که دل به ریاضت بسته‌اند و مرشد نیز به جای قطب و مراد و شیخ است که در آغاز عملیات ورزشی با اشعار مذهبی و اخلاقی و عرفانی، ورزش‌کاران را تشویق می‌کند. همان‌گونه که در طریقت،

باید از مراحل جست‌وجو و طلب و سیر و سلوک و تربیت نفس و کسب معرفت و خدمت و محبت و ایثار به غیر، گذشت و به مقام عشق به خدا رسید و سپس در هستی او فنا شد، (نفیسی، ۱۳۶۶، ص ۳۵ و ۱۶۴) ورزش‌کاران باستانی هم باید این مراحل طولانی را بگذرانند. نمونه بارز این سیر مراتب را در جایگاه ورزش‌کاران باستانی می‌توان دید. در زورخانه به جوانی که دوره اول ورزش باستانی را می‌گذرانند، «نوجه» می‌گویند که زیردست پیش‌کسوت‌ها مراحل شاگردی را طی می‌کند. (درکه، ۱۳۷۷، ص ۶۲) او سپس وارد مرحله «نوخاستگی»، که رتبه بالاتری است، می‌شود. پس از آنکه سابقه ورزش‌کاری را حفظ کرد و به بدنی ورزیده و نیرومند دست یافت، او را «خودساخته» می‌دانند و در هنگام ورود او، مرشد از حضار صلوات طلب می‌کند و او را «صلواتی» می‌خوانند. مرتبه بالاتر از آن، «پیش‌کسوتی» است. ورزش‌کارانی که آداب و رسوم زورخانه، میان‌داری و تعلیم نوجه‌ها را گذرانده و از جوان‌مردی و فتوت و فروتنی برتر نمایند و در میان مردم به حسن شهرت معروف باشند به این مقام نایل می‌گردند. مرشد، مقدم ایشان را به زورخانه با طلب صلوات از حضار و زدن به طبل اعلام می‌دارد. در نهایت، هنگامی که به مرتبه کمال پهلوانی و پیش‌کسوتی برسند، عنوان «صاحب صلوات» یا «صاحب ضرب و زنگ» می‌یابند. اینان کسانی هستند که در ورزش باستانی به حد اعلایی رسیده و پهلوانی با تمام سجایای آن، شخصیت اصلی ایشان است. (انصاف‌پور، ۱۳۸۶، ص ۲۵۰-۲۵۱)

بر این اساس، زورخانه دارای آدابی است که اگرچه به ظاهر تنها سلسه‌مراتب را تداعی می‌نماید، اما در ذات این آداب، فرهنگ غنی و سرشاری نهفته است که انسان آراسته به آن، جلوه‌ای از رفتار و سلوک شیعیانه دارد. پاکی و طهارت، افتادگی و خضوع، مراتب معنویت، احترام به پیش‌کسوت، تخلّق به سلوک انسانی و تداوم به ذکر مدح و ثنای اهل‌بیت علیهم‌السلام، از شاخصه‌های اصلی این آداب و رسوم محسوب می‌شوند.

نکته مهم در این بخش آن است که در روزگار تهاجم گسترده فرهنگ غربی به این کانون فرهنگی نیز این آداب پابرجا باقی ماند. تأملی در وضعیت و شرایط دیگر ورزش‌ها در آن دوره به خوبی نشان می‌دهد که تنها ورزش باستانی زورخانه بود که کمترین آسیب فرهنگی را در این رهگذر دید. این امر به سبب ریشه‌های قوی و آیین و مراسم مستحکم ورزش باستانی زورخانه است. در واقع، اگرچه اصول مذهب تشیع و دین‌باوری جامعه در آن روزگار از این هجمه آسیب دید، اما ورزش باستانی زورخانه کمتر متأثر شد. نکته ظریف این مسئله نیز در همین پایداری نهفته است. در حالی که دست زدن و هورا کشیدن و سوت زدن به عنوان شیوه اصلی در تشویق دیگر ورزش‌ها مرسوم شد، زورخانه آداب و رسوم خود را، حتی در این بخش حفظ کرد. ذکر صلوات به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین سنت تشویق در آداب زورخانه باقی ماند. طهارت و پاکی از آن نرفت و مجمع هرزگان و بی‌بند و باران نشد. باستانی‌کار به آلودگی‌های اخلاقی جامعه گرفتار نشد، مگر آنکه پیش از آن از زورخانه اخراج شده بود. مراسم و آداب غربی نقش‌آفرینی زنان بی‌حجاب، اصطلاحات غربی و مناسک غیر مذهبی هیچ‌گاه پایشان به زورخانه باز نشد. تشابه و تداوم آداب زورخانه با آموزه‌ها و مناسک و شعائر شیعی از نظر شکلی و ظاهری، مهم‌ترین علت این پایداری بود. همچنان در این آداب، دعاخوانی، به‌ویژه ادعیه خاص تشیع، از جمله دعای جوشن کبیر و جوشن صغیر و توسل مرسوم بوده و ذکر «الله»، «محمد ﷺ» و «علی ﷺ» ورد زبان پهلوانان بوده است. (کاظمینی، ۱۳۴۳، ص ۳۲۷)

اهمیت استمرار این آیین و مناسک زمانی بیشتر ملموس است که فضای ضد دینی دوره پهلوی را به خاطر آوریم. در روزگاری که باستان‌گرایی، کالای پررونق هر محفل و مجلسی بود و تبلیغات وسیعی درباره استفاده نکردن از اسامی عربی - اسامی معصومان علیهم‌السلام - می‌شد، ذکر رایج و مرسوم تمام زورخانه‌ها و حتی آنهایی که بیشتر با هدف ناسیونالیسم ضد دینی ساخته شده و فعال بود، ذکر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام بود. این تداوم و پایداری آداب و رسوم زورخانه در تاریخ فرهنگی ایران

جایگاه مهم و قابل توجهی دارد که نباید از آن غافل بود. فضای مذهبی حاکم بر زورخانه با تکرار مصیبت‌های اهل‌بیت (ع) و ذکر وقایع کربلا از یک‌سو، و ذکر فضایل، کرامات و نیکی‌های آنها از سوی دیگر، اذهان تمام حاضران در زورخانه را به شعائر شیعی هدایت می‌نمود.

علاوه بر موارد مزبور، برخی آداب و سنت‌های مقطعی رایج در زورخانه متأثر از روح تشیع و سیره ائمه اطهار (ع) به‌ویژه حضرت علی (ع) است. مهم‌ترین این مراسم، آیین «سفره‌داری» و «گل‌ریزان» است. این دو مراسم، که دست‌گیری از مستمندان و واماندگان و توجه به مؤمنان در جامعه را جهت‌دهی می‌کند، در گفتار و رفتار معصومان (ع) بدان تأکید شده است. سفره‌داری که امروزه کمتر در این ورزش مرسوم است، سنتی است که ریشه مذهبی دارد. اطعام مؤمنان از سنت‌های مؤکد اسلامی و سیره پیامبر اکرم (ص) بوده و روایات متعددی از ائمه اطهار (ع) در تأکید بر آن وجود دارد. علاوه بر این، آنچه در این سنت به عنوان ابزار تبلیغی تشیع مشاهده می‌شود، «دعای سفره» است. دعای سفره یکی از بخش‌های الزامی آیین سفره‌داری بوده است. در واقع، همان‌گونه که ورزش و حرکات جسمانی در زورخانه به دعا ختم می‌شود، سفره‌داری نیز مختوم به دعاست. بخش اعظم دعا‌های سفره، مضامین کاملاً شیعی دارد. دعا‌هایی از جمله «یا مولا برسان از این بیشتر، از دم سلطان علی - شاه کبیر، هر که باشد عدوی شاه مردان از برای نیستی او گفتیم: یا حق و...» نمونه‌هایی از این دعاها بوده است. (تهرانچی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸-۱۶۹) با وجود این، مراسم گل‌ریزان، که به منظور کمک در رفع مشکل پیش‌بینی نشده برای شخصی گرفتار برگزار می‌شود، تأسی بیشتری از سیره علوی دارد. در این مراسم، تمام اذکار مروج فرهنگ تشیع است. برای مراسم گل‌ریزان، که معمولاً در صبح‌های جمعه برگزار می‌شد، کوچه منتهی به زورخانه را آب و جارو و چراغانی می‌کردند و سردر زورخانه را آذین می‌بستند. (انصاف‌پور، ۱۳۸۶، ص ۲۷۸) کاظمینی برخی اذکار یکی از این مراسم را بیان کرده است. اذکاری همچون: «دستش به دست حرّ برسد. خداوند ان‌شاءالله سالی

دوهزار تومان شما را خرج آب و آش حضرت سیدالشهداء بفرماید. به اول قطره خونی که در محراب کوفه از تارک علی (ع) چکید، خداوند ان شاء الله عرق آبروی آن نوجوان مرد را پیش پای مرد و نامرد نریزد. خدا را قسم می‌دهم به دو گوشواره عرش، زینت فرش - یعنی امام حسن و امام حسین (ع) - دو چشم آن نوجوان مرد گریان نشود، مگر سالی دو ماه در عزای پسر فاطمه زهرا (ع) و...» (کاظمینی، ۱۳۴۳، ص ۳۵۶-۳۵۷)

این مراسم آنچنان معرف آموزه‌های تشیع و صفات اخلاقی مورد تأکید اهل بیت (ع) بوده که در زمان‌های متعدد و مکان‌های متفاوت، کمترین تغییر را در مضامین به خود دیده است. گزارش انصاف‌پور از یکی دیگر از این مراسم گل‌ریزان، که خود شاهد آن بوده، گویای این واقعیت است. در این مراسم، اذکار با نمونه پیش‌گفته تفاوتی ندارد و همچنان روح صفات اخلاقی و انسانی تشیع بر آن حاکم است. او دعای پهلوان را هنگامی که ششمین نفر کمک‌های خود را اهدا می‌کرده، چنین آورده است: «خدا را قسم می‌دهم به حق خون ناحق ریخته حضرت ابی‌عبدالله الحسین (ع) که به آن جوان مرد توفیق عبادت، توفیق قرآن، توفیق بندگی، حسن خلق، نعمت سلامتی کرامت بفرماید.» همچنین در ذکر دعای آخرین قسمت‌های این مراسم می‌گوید: «الله الله نماز از خانه بلند شود، بانگ شیون مرگ از خانه بلند نشود.» (انصاف‌پور، ۱۳۸۶، ص ۲۸۳) این ادبیات حاکم بر زورخانه را انصاف‌پور در زمانی ذکر می‌کند که مبارزه با تشیع و دین‌زدایی در جامعه به اوج خود رسیده بود؛ زمانی که زورخانه‌ها نقش حفظ و ترویج فرهنگ دینی جامعه را به خوبی ایفا نمودند.

نتیجه

ورزش باستانی زورخانه تنها ورزش و فعالیت جسمی است که هم به لحاظ تاریخی و هم پیوستگی و تداوم، با مزین کردن حرکات ورزشی به آداب و اصول اخلاقی و استفاده از آیین و مضامین و مفاهیم مذهبی تشیع، به عنوان یک مبلّغ مذهبی ایفای

نقش می‌کند. در این ورزش، توجه به خصایل و سجایای اخلاقی، اصول و آموزه‌ها و شعائر شیعی و پرورش قوای بدنی هر سه و در آن واحد، مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه به دلیل تشابه برخی علایم و نشانه‌ها و سنت‌ها و آیین رایج در این ورزش و نیز به علت ارتباطی که بین برخی وسایل این ورزش با امور نظامی، عیاری و مانند آن دیده می‌شود، تلاش شده تاریخی باستانی و در ادامه، صوفیانه برای آن ایجاد شود؛ اما آنچه در این بررسی تاریخی مهم است، اینکه تمام این فرضیات با رسمیت مذهب تشیع از زمان صفویه تا به امروز در ایران، ناکارآمد شد. از زمان تشکیل دولت صفویه، که مذهب تشیع، یک رکن اصلی در هویت ملی جدید ایران شد، همه نمادهای فرهنگی و تمدنی نیز در این زمینه تعریف شدند. با وجود این، ورزش باستانی زورخانه با رهایی از سیطره فرهنگ‌های غیر شیعی و به تدریج به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تبلیغی تشیع تبدیل شد. ورزش کار و تماشاگر زورخانه هنگام حضور در این مکان، با اذکار شیعی، روح و جان خود را زینت می‌بخشد و هنگامی که آنجا را ترک می‌کند، با دلی مملو از عشق حضرت علی (ع) و فرزندان ایشان رو به سوی اجتماع می‌گذارد و هر لحظه، مبلغ این شریعت است. بر اساس نکات پیش گفته و از جمع‌بندی آنها، می‌توان گفت زورخانه از نظر سابقه، نمادها و نشانه‌ها، آداب، سنن و اشعار، تجلی آموزه‌های تشیع در روح و کالبد جامعه بوده و دارای کارکردهای تبلیغی مؤثر در گسترش تشیع می‌باشد.

منابع

۱. آصف، محمد‌هاشم (رستم‌الحکما)، رستم‌التواریخ، تصحیح و تحشیه محمد مشیری، ج ۲، تهران، سپهر، ۱۳۵۲.
۲. احسن، محمد مناظر، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
۳. اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ترجمه مریم میراحمدی، چ سوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
۴. الشیبی، کامل مصطفی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، چ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
۵. انصاف‌پور، غلامرضا، تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه‌رو، تهران، اختران، ۱۳۸۶.
۶. برزگر، فرامرز، تاریخ ورزش ایران، تهران، سازمان تربیت بدنی ایران، ۱۳۵۰.
۷. بهار، مهرداد، «ورزش باستانی ایران و ریشه‌های تاریخی آن»، در: بررسی فرهنگی - اجتماعی زورخانه‌های تهران، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، ۲۵۳۵.
۸. پرتو بیضایی کاشانی، حسین، تاریخ ورزش باستانی ایران (زورخانه)، تهران، زوآر، ۱۳۸۲.
۹. تهرانچی، محمدمهدی، پژوهشی در ورزش‌های زورخانه‌ای، تهران، کتابسرا، ۱۳۶۴.
۱۰. تهرانچی، محمدمهدی، ورزش باستانی زورخانه از دیدگاه ارزش، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.
۱۱. جاوید، سیروس، زمینه ورزش شناسی، تهران، پیروز، ۱۳۵۰.
۱۲. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری، ج ۲، بی‌جا، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۳. حاکمی، اسماعیل، آیین فتوت و جوانمردی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.
۱۴. درکه، اسفندیار، تاریخ و فرهنگ زورخانه، تهران، کتاب همراه، ۱۳۷۷.
۱۵. شاردن، ژان، سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶.
۱۶. عباسی، مهدی، تاریخ ورزش باستانی و کشتی پهلوانی ایران، قم، مرکز بررسی‌های اسلامی، بی‌تا.
۱۷. کاظمینی، کاظم، نقش پهلوانی و نهضت عیاری در تاریخ اجتماعی و حیات سیاسی ملت ایران (تعریف زورخانه و تحلیل ورزش باستانی زورخانه)، تهران، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۴۳.
۱۸. گودرزی، حسین، تکوین جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره صفویه، تهران، تمدن ایرانی، ۱۳۸۷.
۱۹. مزاوی، میشل، م، پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، چ دوم، تهران، گستره، ۱۳۶۸.
۲۰. نفیسی، سعید، سرچشمه تصوف در ایران، چ ششم، تهران، کتاب‌فروشی فروغی، ۱۳۶۶.
۲۱. نیرومند، کریم، تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تحول و تطور آن، زنجان، کتاب‌فروشی ستاره، ۱۳۶۴.